

## نقدی بر ناکارآمدی آموزش و پرورش در ایران (جلد اول)

آنچه در این کتاب می‌خوانید :

مقدمه

بخش اول : نظام آموزش فعلی

بخش دوم : نظام آموزش مطلوب

بخش سوم : روزنه‌های امید در نظام آموزش فعلی

بخش چهارم : ضمیمه ( تجربیات فردی )

بخش پنجم : نمودارها و تصاویر

مؤلف:

ابوالحسن بهرامپوری

با همکاری حسن سبزیان

انتشارات زیبا

چاپ اول - فروردین ۱۳۸۲

شابک : ۹۶۴-۹۲۵۳۲-۶-۶

بخش ۳۰

# نظام آموزش مطلوب

## ویژگیهای نظام آموزشی مطلوب

### مقدمه

قطعاً، باید قبول کنیم همانطور که دین اسلام کاملترین دین است، نظام تربیتی آن نیز باید مترقی‌ترین نظامهای آموزشی باشد. بزرگان دین در این زمینه قلمها زده‌اند. ولی از آنجایی که از یک طرف، شالوده ساختار نظام آموزشی فعلی ساخته و پرداخته بیگانگان از دین بوده است و از طرف دیگر، کسانی که با کتب اسلامی سر و کار دارند، کمتر به مسئله آموزش بعنوان یک مسئله حیاتی جامعه اسلامی در عصر حاضر پرداخته‌اند و بیگانه به نقاط ضعف چنین نظام آموزشی هستند، سالیان دراز نظام آموزشی فعلی روند غلط خود را دنبال می‌کند. بنابراین، ما قصد داریم در این نوشتار تعدادی از خصوصیات نظام آموزشی مطلوب را با توجه به اوضاع و شرایط حاکم بر زندگی مردم کشور تحت عنوان نظام آموزشی مطلوب، دنبال می‌کنیم. امید داریم عزیزان دلسوز در این مورد مقاله‌ها و کتابها بنویسند بطوریکه در اندک زمانی باعث تنویر افکار عمومی مردم و مسئولین و محرک یک حرکت اساسی گردد و شاهد دگرگونی‌هایی اساسی در ساختار آموزشی باشیم و ساختار جدید بتواند اکثریت دانش‌آموزان را مثل الگوهای تربیت شده مکتب اسلام (امام خمینی (ره)، شهید مطهری (ره)، شهید چمران (ره) و دکتر حسینی (ره) و...) تربیت نماید، و عملاً مانع از به هدر رفتن استعدادهای فرزندان این مرز و بوم شود. به امید چنین

روزي انشاء... . در این مقاله تعدادي از خصوصيات يك نظام آموزشی کارآمد دنبال مي شود.

### (۱) میزان تمایل دانش آموزان به علم؛ هنر؛ ادبیات و دین

شاید بتوان گفت بهترین دوران زندگی هر فرد بین سنین هفت تا سی سالگی است، زیرا در این سنین توانائی فکری و جسمی و امید به زندگی و پیشرفت در اوج خود قرار دارد. مریضیها و مشکلات دیگر در این دوره سنی کمتر مشاهده می شود، اولیاء نیز یار و یاور انسانند، در حالیکه بعد از این دوران، علاوه بر اینکه هر روز برای انسان یک مشکلی بوجود می آید، اولیاء نیز دوران پیری را طی می نمایند و خود به کمک فرزندان نیازمند هستند و فرصت برای کسب علم و دین، ادبیات و هنر کمتر می شود. پس اگر کودکان و نوجوانان در دوران تحصیل علاقمند به علم، هنر، ادبیات و دین شوند، از عمرشان حداکثر استفاده را می نمایند.

در نظام آموزشی صحیح، تمام زمینه های لازم برای رشد معلمان فراهم است. معلم در چنین فضایی می تواند دانش آموزان را علاقمند به علم، هنر، ادبیات و دین نماید.

در نظام آموزش صحیح، دریچه ای شفاف به دنیای اطراف دانش آموز باز می شود که با پیشرفت کار آموزشی، وسعت این پنجره و شفافیت آن بیشتر می شود. با وجود چنین دریچه ای،

دانش‌آموزان دنیا و زیبایی‌های آنرا بهتر می‌بینند و در نتیجه علاقه بیشتری به هنر پیدا می‌کنند.

از آنجا که اعتقاد داریم، مبانی دینی ما منطبق بر حکمت‌های جهان هستی و منطبق بر فطرت انسانی است، آگاهی بیشتر از حکمت‌های جهان هستی باعث رشد دینداری خواهد شد. بنابراین، یک نظام آموزشی صحیح که در آن حکمت‌های واقعی جهان هستی آموزش داده می‌شود، بایستی طبیعتاً باعث رشد دینداری دانش‌آموزان گردد.

در نظام آموزشی درست، مدرسه را فضایی می‌دانیم که توانایی داشته باشد تعقل دانش‌آموزان را پرورش دهد بطوریکه در دنیای امروز که متغیرهای مؤثر بر دانش‌آموزان زیاد است و هر روز با فن‌آوری‌های جدید روبرو می‌شویم (ماهواره، اینترنت و...) بتواند دانش‌آموزان را طوری تربیت کند که از این ابزارها استفاده مطلوب برند نه اینکه آنها را برای هدر دادن وقت به کار برند و یا وجود چنین ابزارهایی تأثیر منفی بر روی دانش‌آموزان بگذارد.

در نظام آموزشی درست، مدرسه برای دانش‌آموز محیطی جذاب است و نحوه آموزش به گونه‌ای است که بر این جذابیت می‌افزاید در واقع باید گفت: تمام زمینه‌های لازم برای درست آموزش دادن فراهم است در چنین شرایطی است که می‌توان دانش‌آموز را جذب علم و هنر و ادبیات کرد.

استاد جعفر سبحانی می‌فرمایند: «علم و دانش، مطالعه و بررسی آثار دانشمندان، غور در قوانین آفرینش، مایه شکفته شدن

عقل و خرد می‌گردد، چنانچه ممارست با گناه و هم‌نشینی با بدکاران، دیدن مناظر معصیت، مایه ضعف شنوایی و بینایی خرد گردیده و زشتی بسیاری از کارها را از میان می‌برد.<sup>۱</sup>

بنابراین، در نظام آموزشی درست، اگر مدرسه‌ای این توانایی را نداشته باشد، آنرا مدرسه نمی‌دانیم. پس نظامی برای آن طراحی می‌نماییم که توانایی علاقمند کردن دانش‌آموزان به علم، هنر، ادبیات و دین را داشته باشد، یعنی در چنین نظامی باید برای تک‌تک موارد بالا، برنامه حساب شده‌ای تنظیم گردد که در بخش‌های دیگر به تفصیل ارائه می‌گردد.

---

۱ - کتاب مربی نمونه، استاد جعفر سبحانی، ناشر انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ چهارم، ص ۴۳.

## ۲) پاسخگوی نیازهای روحی دانش‌آموزان

کلام را با نصایحی از امام خمینی (ره) در مورد نشاط جوانی آغاز می‌کنیم که نقل می‌کنند: شیخ جلیل ما و عارف بزرگوار، آقای شاه‌آبادی، روحی فدا، می‌فرمودند که تا قوای جوانی و نشاط آن باقی است بهتر می‌توان قیام کرد و در مقابل مفسد اخلاقی خوبتر می‌توان وظایف انسانی را انجام داد. مگذارید این قوا از دست برود و روزگار پیری پیش آید که موفق شدن در آن حال مشکل است. بر فرض موفق شدن، زحمت اصلاح خیلی زیاد است.<sup>۱</sup>

در ساختار نظام آموزشی درست، معلمان از نزدیک یکدیگر را می‌شناسند و بین آنها دوستی و الفت برقرار می‌شود که این الفت به دلیل تداوم حضور در یک مدرسه روز به روز بیشتر می‌شود بطوریکه روابط صمیمی و دوستانه پایداری بین معلمان بوجود می‌آید. همچنین تماس مستمر معلمان با دانش‌آموزان سبب می‌شود که معلمان، دانش‌آموزان را نیز مثل فرزندان خود به حساب آورده و برای تربیت آنها دقت بیشتری بکار برند و اوضاع تربیتی و تحصیلی آنها را به طور پیوسته دنبال کنند. از طرفی دیگر روابط منطقی و کنترل شده دانش‌آموزان با یکدیگر باعث می‌گردد تأثیر منفی آنها روی هم به حداقل ممکن برسد. لذا در چنین شرایطی،

---

۱ - کتاب جوانان از دیدگاه امام خمینی، صفحه ۹، ناشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.

دانش‌آموزان احساس راحتی و آزادی می‌کنند. بنابراین، به سادگی نیازهای واقعی خود را با مسئولین مدرسه و معلمان مطرح می‌کنند و دستگاه آموزشی مدرسه نیز سریعاً نسبت به این نیاز عکس‌العمل نشان داده و در جهت تأمین آنها فعالیت‌های لازم را انجام می‌دهند. در نظام آموزشی درست، به منظور رشد شخصیت اجتماعی دانش‌آموزان در این دوره سنی، بهترین برنامه‌ها (آزمایش‌ها، فعالیت‌های گروهی، مسافرت‌ها و بازدیدها) پیش‌بینی شده است. دانش‌آموزان احساس می‌کنند هر روز از لحاظ علمی و فکری رشد می‌کنند و از عمرشان استفاده مطلوب می‌برند. این احساس واقعی باعث رضایت خاطرشان می‌گردد. از طرف دیگر در آموزش درست از همه امکانات هر منطقه برای آموزش استفاده می‌شود و در طی آموزش با بهترین انسانهای جامعه نیز آشنا شده و از نزدیک برخورد و تماس پیدا می‌کنند. بنابراین دوران تحصیلات در نظام آموزشی درست می‌تواند بهترین دوران عمر دانش‌آموزان به حساب آید.

در نظام آموزش فعلی، تقریباً تمام دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی و دبیرستان هفته‌ای سی و شش ساعت باید روی صندلی بنشینند و اکثریت مطالب درسی و تربیتی بصورت شنیداری رد و بدل می‌گردد. در واقع سبک آموزشی در تمام دوران به یک شکل می‌باشد، در حالیکه دانش‌آموزان این دو دوره از نظر روحی و روانی با هم فرق می‌کنند. بنابراین، در نظام آموزشی درست برای هر دوره آموزشی، مستقلاً برنامه‌ریزی

می‌شود و صاحب نظران با توجه به نیازهای روحی و روانی هر دوره برای برنامه آموزشی و تربیتی تصمیم می‌گیرند. در واقع، روح و روان دانش‌آموزان هر سنی یک سبک آموزش مخصوص به خود را می‌طلبد. نظام آموزشی هر دوره باید به گونه‌ای باشد که پاسخگوی چنان روح با عظمتی باشد و گرنه روح آزرده می‌شود و ادامه همین آزرده‌گی مشکلاتی برای وی بوجود می‌آورد. شهید مطهری در کتاب حکمتها و اندرزها می‌فرماید:

روح، احتیاج دارد به محبت دیدن و محبت کردن، احتیاج دارد به نظم اخلاقی، احتیاج دارد به فهم و معرفت و دانش، احتیاج دارد به ایمان و اعتقاد، احتیاج دارد به تکیه‌گاه محکمی که در کارها به او توکل کند و به او امیدوار باشد که او را در کارها یاری می‌کند. اینها همه به منزله مواد لازمی است که برای مزاج روح لازم است. اگر تعادل و توازن به هم بخورد، دیگر هیچ چیز نمی‌تواند خوشی و آرامش به انسان بدهد.<sup>۱</sup>

در نظام آموزشی درست، به دانش‌آموزان احترام گذاشته می‌شود و معلمان و مسئولین آموزشی برایشان ارزش قائل هستند به طوریکه به نظراتشان توجه می‌کنند، زیرا قبلاً زمینه‌های لازم برای احترام گذاشتن به آنها فراهم شده است. از طرف دیگر، آنها را خسته نمی‌کنند و حضور دانش‌آموزان در کلاس درس همراه با

---

۱- حکمتها و اندرزها استاد مطهری، انتشارات صدرا، ص ۳۳.

عشق است و از بودن در محیط جذاب مدرسه لذت می‌برند. برای برنامه تدریس، ساعات کمتری در نظر گرفته می‌شود بطوریکه: الف) با روحیه دانش‌آموز که دوران تحرکش است سازگاری داشته باشد.

ب) دانش‌آموز با عشق سرکلاس بیاید و از مطالبی که خودش می‌تواند با مطالعه کسب نماید صرف نظر شود.

ج) دانش‌آموز خود دنبال تحقیق و علم است و نقش معلم در این بعد نظارت بر این تلاش و راهنمایی دانش‌آموزان و نمایاندن روش فکر کردن به آنها است.

در چنین شرایطی است که نظام آموزشی درست پاسخگوی روح دانش‌آموزان است. راهکار اجرایی موارد فوق طی مقاله ای مستقل آورده خواهد شد.

### ۳) وضعیت بهداشت، نظم

در آموزش درست دانش‌آموز به صورت عملی با نظم آشنا می‌شود، چون عملاً می‌بیند تمام زمینه‌های لازم برای منظم شدن فراهم است، از طرفی تمام شرایط لازم برای اینکه معلمان و دانش‌آموزان منظم باشند به وجود آمده است. مثلاً، محل سکونت معلمان یک مدرسه نزدیک همان مدرسه است. پس اگر قرار باشد ساعت ۷/۳۰ صبح معلم و دانش‌آموز برای ورزش حضور داشته باشند، همه حضور دارند.

بنابراین، در نظام آموزشی درست از نظم حرف زده نمی‌شود، بلکه عملاً همه سر ساعت در کلاسها و فعالیتها شرکت می‌کنند و نظم در فعالیت‌های مدرسه بطور عملی تدریس می‌شود. بارها این نکته را بنده از افراد مختلف شنیده بودم که وقتی امام خمینی (ره) رهبر فقید و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، وارد کلاس می‌شدند، طلبه‌ها ساعت‌هایشان را با ورود این عزیز میزبان می‌نمودند. در وضع فعلی که درصد زیادی از دانش‌آموزان با سرویس به مدرسه می‌آیند و خیلی از معلمان پروازی هستند (برخی از این محله به محله دیگر و یا از شهر به روستا می‌روند)، ممکن است یک روز سرویس دانش‌آموز مشکل پیدا کند و روز دیگر راننده مریض شود و روزی معلم دیر بیاید و در نهایت، نظم به عنوان یک فرهنگ پذیرفته نمی‌شود. یعنی اساساً آثاری از نظم مشاهده نمی‌گردد.

بنابراین در نظام آموزشی درست، کارها و برنامه‌ها و نیازها و شرایط دانش‌آموز خوب مورد بررسی قرار می‌گیرد، بطوریکه زمینه‌های بی‌نظمی و بی‌تعهدی وجود نداشته باشد. دقیقاً مثل دستورات دین، اگر به دستورات دینی توجه می‌شد، در جامعه گناهی بوجود نمی‌آمد. زیرا زمینه گناه در دستورات دینی بسته شده است. مثلاً، به جوان می‌گوید به نامحرم نگاه نکن، با عمل بدین دستور دینی سعادت جوان تأمین می‌شود. بنابراین هنر نظام آموزشی درست در این است که تمام زمینه‌هایی که لازم است افراد منظم شوند را پیش‌بینی می‌نماید و در برنامه کار و تدریس آنها (چه

مستقیم و چه غیرمستقیم) قرار می‌دهد. در این صورت در مدرسه چیزی جز نظم مشاهده نمی‌شود.

بعلاوه در یک نظام آموزشی درست، دانش‌آموزان و معلمان خود برای ایجاد نظم تلاش می‌کنند و چون تمام دانش‌آموزان و معلمان در بوجود آمدن آن سهیم هستند، بدان عشق می‌ورزند و در حفظ و بسط آن همکاری می‌نمایند در این صورت چنین نظامی با فطرت دانش‌آموز هماهنگ است. زیرا که در اجرای این نظم در حق خود و دیگران ظلمی احساس نمی‌کند.. در زمینه بهداشت نیز، دقیقاً مثل نظم، عملاً آموزش داده می‌شود و همه دست اندرکاران آموزشی موظف به رعایت نظافت و بهداشت هستند. از طرفی دیگر خود دانش‌آموزان هستند که محیط کلاس و مدرسه را نظافت می‌نمایند. بنابراین، قدر زحمات خود را داشته و آنرا هدر نمی‌دهند. چرا که “عشق به تمیزی” سرلوحه کار آموزش است. در واقع، عملاً به تمام دانش‌آموزان یاد داده می‌شود که منظور از بهداشت چیست و چه انتظاری از آنها داریم. در این صورت، فرهنگ تعهد در مدرسه شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد. در این شرایط اگر تعدادی از دانش‌آموزان بهداشت را نادیده گرفتند، اکثریت دانش‌آموزان از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند و خود به خود این اقلیت نیز اصلاح می‌شوند و سپس وارد اجتماع می‌شوند.

البته در نظام آموزش درست، می‌توان قدری جلوتر رفت و در نتیجه دانش‌آموزان را برای بهبود زیبایی و وضع ظاهری کلاسها

و مدرسه تشویق نمود. در این صورت است که خود به خود زیبایی دوستی به عنوان یک فرهنگ مورد توجه قرار می‌گیرد.

#### **۴) در ساختار آموزش درست تلاش معلم هدر نمی‌رود**

از آنجایی که تمام متغیرهای مؤثر بر روی دانش‌آموزان کنترل شده است، معلمان می‌توانند از تلاششان نتیجه بگیرند. در این نظام آموزشی، یک معلم هر ساله از نظر تجربی روندی رو به رشد دارد و نسبت به سالهای اولیه ورود به آموزش و پرورش اندوخته‌های علمی و تربیتی بیشتری دارد، به گونه‌ای که معلمی با بیست سال تجربه کار را نمی‌توان با معلم تازه کار مقایسه کرد. در این صورت، با اضافه شدن سابقه خدمت، معلمان به علت افزایش تجربه و علم بیشتر، مورد احترام افزونتر قرار می‌گیرند. در این فضا است که معلمان کم تجربه گرد معلمان با تجربه می‌چرخند.

در این نظام آموزشی برترین انسان‌ها را به عنوان معلم برمی‌گزینند زیرا که هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که برای تربیت و آموزش تخصص لازم به افرادی که قرار است در آینده نزدیک کشوری را اداره نمایند از بهترین‌ها استفاده نشود. به همین دلیل، معلم فردی است که باید بتواند ضمن تشخیص راه، دانش‌آموزان را نیز در تمام ابعاد رشد و پرورش دهد.

بنابراین، در این نظام آموزشی درست، کسی که برتر نیست به عنوان معلم برگزیده نمی‌شود. دوستی می‌گفت: در دوران خدمتم در آموزش و پرورش تنها یک سال احساس کردم معلم هستم. دانش‌آموزان به حرفهایم توجه داشتند و حرفهایم هرز نمی‌رفت. برای خودم سؤال بود که چرا امسال دانش‌آموزان این قدر خوب شده‌اند؟ عشق به درس دارند و به بنده علاقه نشان داده و نگاهشان از روی عشق است. برای پیدا کردن جواب، شروع به تحقیق کردم. ابتدا رفتار خودم را با سالهای قبل مقایسه کردم. متوجه شدم تغییرات چشم‌گیر نیست، موقعیت دبیرستان را با سالهای گذشته از لحاظ سطح فرهنگی مقایسه کردم، دیدم دبیرستان امسال در منطقه‌ای قرار دارد که از لحاظ فرهنگی از دبیرستان سال گذشته برتری ندارد. واقعاً مانده بودم که چرا وضع اینطور است؟ بنابراین، تمام عواملی که ممکن بود باعث این تفاوت شود را یک به یک مورد ارزیابی قرار دادم. نتیجه‌ای حاصل نشد. واقعاً برای خودم این سؤال به عنوان یک مسئله بغرنج درآمده بود، تا یک روز یکی از دانش‌آموزان در بین صحبت‌هایش گفت: فلان معاون، می‌گوید... «شما از لحاظ علمی و ایمانی در سطح بالائی قرار دارید»... خلاصه شما را خیلی دوست دارد و خیلی از شما تعریف می‌کند. این بود که متوجه شدم چرا امسال موفق هستم. آگاهی و ایمان دانش‌آموزان و والدین آنها به اینکه معلم بهترین و تواناترین فرد جامعه است نقش بسیار اساسی در موفقیت معلم دارد. در واقع در نظام آموزشی درست، وقتی تمام معلمان از بهترین‌های جامعه

انتخاب می‌شوند و بالاترین رتبه‌های علمی برای شغل معلمی پذیرفته می‌گردند، جامعه نیز برای معلم ارزش ویژه‌ای قائل است. در نتیجه دانش‌آموز نیز معلمش را بزرگ می‌شمارد، قطعاً بدان عشق می‌ورزد و همین عشق ورزیدن دانش‌آموز به معلم باعث می‌گردد از علم معلم بهره‌برداری بیشتر نماید. معلم در چنین شرایطی می‌تواند توانائی‌های خودش را عملاً به دانش‌آموزان منتقل کند.

در نظام آموزشی درست، معلم کسی نیست که از این کلاس به کلاس دیگر برود و نتواند در مورد کارش و نتایج‌ی که باید بدست آورد، داوری کند و یا اینکه متغیرهای زیاد کیفیت انجام وظیفه‌اش را تحت‌الشعاع قرار دهد.

بنابراین، قبل از شروع و در خاتمه سال تحصیلی، ارزیابی درستی از تمام زحماتش دارد. بعلاوه مجبور به فکر کردن است (در نظام آموزش فعلی معلم کمتر به مطالعه و تحقیق و فکر کردن احساس نیاز می‌کند) و ساختار آموزشی درست طوری است که این فرصت در اختیارش گذاشته شده است.

تدریس یک معلم در ساختار آموزشی صحیح خود یک تحقیق موفقیت‌آمیز از جنبه‌های تربیتی انسانی است. بدین معنی که چون معلم با یک برنامه از قبل تنظیم شده توسط خود کار می‌کند و می‌تواند تجربیات سال‌های قبل را برای سال بعد به کار گیرد و می‌تواند هر سال روش جدید و برتر در تربیت و آموزش دانش‌آموزان را دنبال کند، بنابراین تدریس‌هایش نیز یک تحقیق است. در این صورت معلمی که ۳۰ سال تحقیق کرده می‌تواند

راهنمای معلمان تازه کار باشد، چرا که در ساختار آموزشی درست، زمانهایی برای تحقیق و مطالعه معلم در نظر گرفته شده است. از طرف دیگر، ساختار آموزشی طوری است که معلم همراه با تدریس، خودش نیز رشد می‌نماید، زیرا در نظام آموزشی درست، این دانش‌آموز است که دنبال علم می‌رود و معلم راهنمای اوست. یعنی، معلم ضمن اینکه از اطلاعات علمی خود استفاده می‌کند و هر روز آنها را رشد می‌دهد، از تحقیق دانش‌آموزان نیز استفاده می‌کند. بنابراین، دانش‌آموز در چنین فضایی تلاشش افزون می‌شود و احساس رضایت می‌نماید. بعلاوه معلم نیز که رشد و بالندگی دانش‌آموزانش را از نزدیک مشاهده می‌نماید، احساس رضایت‌مندی می‌نماید و چون معلم همه ساله رشد علمی و معنوی می‌کند، دانش‌آموزان در طول زندگی می‌توانند با معلم خود ارتباط داشته و از تجربیاتش استفاده نمایند. در نتیجه در آموزش درست، معلم از جنبه‌های مختلف بصورت خودکار تشویق می‌شود. نتایج این بحث را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- ۱- تعداد متغیرهای مؤثر روی دانش‌آموزان محدود است بطوریکه معلمان می‌توانند با شناخت کامل از تواناییها و نیازهای دانش‌آموزان و عوامل تأثیرگذار روی آنها، تأثیر مثبت بر دانش‌آموزانشان بگذارند.
- ۲- معلم رشد و بالندگی دانش‌آموزان را در تمام ابعاد مشاهده می‌کند و رضایت خاطر پیدا می‌کند.
- ۳- جایگاه و ارزشی که جامعه برای معلم قائل است، باعث می‌شود که با اطمینان به کارش ادامه دهد.

۴- وقتی معلم از نتایج تحقیق دانش‌آموزان استفاده می‌کند، خود نیز از لحاظ علمی رشد می‌نمایند.

در شرایط فعلی که تعداد معلمان و ناهماهنگی بین این عزیزان، انتقال معلمان و پروازی بودن آنها، نبود رابطه عاطفی بین معلم و شاگرد، وجود دانش‌آموزان با فرهنگهای مختلف، نبود بستر سالم فرهنگی در جامعه، وضعیت نامناسب سرویس مدارس، همه و همه باعث بروز مشکلات زیادی در نگرش دانش‌آموزان و در نهایت باعث تأثیر نامطلوب بر روی شخصیت دانش‌آموزان می‌گردد، این عوامل باعث می‌گردد تا عملاً دست‌اندرکاران آموزشی نتوانند به اهداف تعیین شده برای نظام آموزشی برسند. قطعاً برای رفع این موانع باید راه‌حل‌های منطقی پیشنهاد نمود. مسلماً این موانع باید برداشته شود، در غیر این صورت، آموزش و پرورش نمی‌تواند مسئولیت اصلی‌اش را انجام دهد.

مأموریت معلمان دوره‌های تحصیلی پیش از دانشگاه (ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان) فقط تدریس و انتقال مجموعه‌ای از اطلاعات علمی نیست. علاوه بر تدریس، معلم باید بتواند ارتباط روحی و عاطفی با دانش‌آموزانش برقرار کند و همچنین باید بتواند دانش‌آموزان را درگیر مطالب علمی بنماید. تا زمانیکه تعداد برخوردارهای مؤثر معلم و شاگرد زیاد نباشد، تحقق این مهم ممکن نیست. برای روشن نمودن مطلب از یک مثال و یک تجربه استفاده می‌کنیم. فرض کنید در مسجد محله حضور دارید و جوانی با شما

صحبت می‌کند. قطعاً بدون عجله به حرفهایش توجه می‌کنید و اگر چند روز بعد او را ببینید از دیدنش خوشحال می‌شوید و هر روز این ارتباط بیشتر و ریشه‌دارتر می‌شود. ولی اگر همین برخورد را در مسجدی خارج از محل زندگی خود داشته باشید، چون با افراد آن محل قبلاً رابطه صمیمی و نزدیک نداشته‌اید، بعد از خواندن نماز، مسجد را ترک می‌کنید. بنابراین، بین شما و افراد آن محل ارتباط ریشه‌دار ایجاد نمی‌شود.

یکی از دوستان اصفهانی، معمولاً در دوران تحصیلات ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان خود از طریق شرکتی که پدرش در آن کار می‌کرد، به اردو می‌رفت. پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی با او ملاقات داشتم، در مورد اردوهایی که قبلاً رفته بود، سؤال کردم و از او خواستم برایم بگویند که آیا با مریبان اردو آن روزها تماس دارند. ایشان در جواب گفت: خیر، فقط در اردو با آنها بودیم و بعد ادامه داد: وقتی اردو می‌رفتیم به علت اینکه بعد از اردو هیچ گونه ارتباط منطقی با آنها نداشتیم و مریبها در طول اردو نمی‌توانستند ارتباط عاطفی و روحی با ما برقرار کنند، اغلب پشیمان می‌شدیم که چرا اردو آمده‌ایم. همه این مثالها ما را به این مهم راهنمایی می‌نماید که نیاز دانش‌آموزان، آموزش صرف و تفریح خشک و خالی نیست.

نویسنده بر این باور است که برای نظارت و هدایت هر کدام از متغیرهای یاد شده در بالا بایستی راه‌حلی ارائه داد و برای پیاده شدن راه‌حلها بایستی بعضی از محدودیتها را در آموزش

درست بپذیریم. مثلاً، در نظام آموزشی درست، ارتباط و تماس معلمان با هم بقدری است که ارتباط روحی و عاطفی بین آنها بوجود می‌آید و عملاً مثل اعضاء بدن انسان یک هدف را دنبال می‌کنند. در چنین شرایطی (یعنی، هنگامی که معلمان یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند و نتایج تلاش خود را می‌بینند)، انگیزه انتقال از یک نقطه به نقطه دیگر کمتر می‌شود و عملاً نیز انتقال معلمان از یک مکان به مکان دیگر کمتر صورت می‌گیرد. اگر معلمی از مدرسه‌ای برود، خاطرات خوش حضور، فعالیت و رابطه محبت آمیز او با دیگران حداقل برای چند سال در بین معلمان مدرسه قبلی باقی می‌ماند. از طرف دیگر، اگر انتقالی نیز صورت بگیرد، این انتقال باعث می‌گردد معلمان بتوانند تجربیات جدید را از طریق تلفن و نامه و یا دید و بازدید منتقل نمایند. بعلاوه، برای جلوگیری از انتقال معلمان بایستی به کسانی اجازه انتقال داده شود که مثلاً حداقل پنج سال پی در پی در یک مدرسه خدمت کرده‌اند. در غیر این صورت، چنین معلمانی اصلاً کارائی نخواهند داشت و این مطلب به عنوان فرهنگ داخلی آموزش و پرورش مورد پذیرش تمام فرهنگیان در آموزش درست قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از مشکلات قید شده در آموزش فعلی ارتباط هر دانش‌آموز با حدود چهارده معلم در یک سال است. متأسفانه ممکن است در طول یک دوره، مثلاً دوره‌ی راهنمایی یا دبیرستان، معلمان همه ساله عوض شوند، بطوری که شاید بتوان گفت در

طول یک دوره تحصیلی مثلاً راهنمایی هر دانش‌آموز حداقل با حدود بیست و پنج الی سی معلم و مسئول آموزش مواجه می‌شود که با هیچ کدام از آنها نمی‌تواند ارتباط روحی، عاطفی برقرار کند. از طرف دیگر چنین شرایطی باعث شده که در نظام آموزشی فعلی پاسخگویی وجود نداشته باشد. بنابراین، در آموزش درست بایستی این ضعف را برطرف نمود. به نظر می‌رسد مطالب آموزشی مورد نیاز یک دوره آموزشی را حداکثر پنج تا شش معلم می‌توانند آموزش دهند.

استاد مطهری می‌فرماید: «ما در میان استادهای خودمان آن استادهایی را که می‌دیدیم ابتکاردارند، که زیاد معلم ندیده‌اند.»<sup>۱</sup>

برای ایجاد ارتباط نزدیک معلمان با یکدیگر و شناخت محیط اطراف مدرسه در نظام آموزش درست، منزل معلمان در نزدیکی مدرسه است تا ضمن کمتر هدر رفتن وقت عزیزان، بتوانند مأموریت اصلی خود را انجام دهند. زیرا ارتباط دوستانه معلمان با هم سبب می‌گردد، اهداف آنها به هم نزدیک شود و امکانات محیط اطراف مدرسه مثل کتابخانه، مسجد، کانونهای فرهنگی و... را بشناسند. بعلاوه بتوانند با دانش‌آموزان ارتباط روحی و عاطفی برقرار کنند و این مهم انجام نمی‌شود، مگر اینکه معلمان پروازی نباشند. یعنی، ضمن ثابت بودن معلمان یک مدرسه برای یک دوره

۱ - تعلیم و تربیت در اسلام، شهید استاد مطهری، انتشارات صدرا،

طولانی، عزیزان معلم باید در محل تدریس خود سکونت نمایند. در این صورت می‌توان امید داشت که معلمان دلبستگی به محیط آموزشی خود پیدا کرده و همه هدف مشترکی را دنبال کنند. در این صورت انرژی آنها کمتر هدر می‌رود.

در چنین شرایطی، قطعاً بین معلمان و دانش‌آموزان ارتباط دوستانه بوجود می‌آید. شناخت درست همکاران نسبت به همدیگر سبب رشد عنصر امر به معروف و نهی از منکر می‌شود و زمینه تربیت درست را در مدرسه فراهم می‌کند. وقتی همکاران از نزدیک تلاش یکدیگر را می‌بینند، تلاش آنها مضاعف می‌گردد. در چنین فضایی می‌توان عملاً نقش بزرگترها را که تجربه بیشتری دارند، درک نمود و دانش‌آموزان می‌توانند مفاهیم فرهنگی بجا مانده از نسلهای گذشته را درک نمایند.

آنچه جوان در آینه نمی‌بیند      پیر در خشت خام می‌بیند  
در این فضا، دانش‌آموزان عملاً درک می‌کنند که معلمان تجربه‌های خیلی سودمندی دارند که آنها می‌توانند از آن استفاده کنند (در حال حاضر، در نظام آموزش فعلی، دانش‌آموزان این را قبول ندارند). بنابراین، دلیل کافی برای بها دادن به معلم و شناخت قدر و منزلت او وجود خواهد داشت.  
در این فضا است که بعضی از مفاهیمی که در سیستم آموزش فعلی نمی‌توان روی آن کار کرد، مثل غیرت، حیا، عفت، روحیه جوانمردی و از خود گذشتگی، مطرح می‌شود.

در شرایطی که دانش‌آموزان از لحاظ فرهنگی به هم نزدیک هستند، و حضور معلمان در محل زندگی دانش‌آموزان باعث ایجاد یک بستر سالم فرهنگی می‌شود و به معلمان این امکان را می‌دهد که مراکز فرهنگی موجود در محل را تحت نظارت و هدایت خود قرار دهند، بستر سالم فرهنگی در محله‌ها تقویت می‌شود.

در این صورت، هر دانش‌آموز در محل زندگی خود تحصیل می‌کند و نیاز به سرویس و جابجایی دانش‌آموز، کمتر احساس می‌شود. یعنی، وقتی دانش‌آموزان پیاده و یا حتی با وسیله نقلیه عمومی یک مسافت کمی را تا مدرسه طی می‌کنند، بهتر می‌توانند محیط اطراف محل زندگی خود را بشناسند و در نهایت با آنها ارتباط بهتری برقرار کنند. در چنین شرایطی است که دانش‌آموزان زمینه بهتری پیدا می‌کنند تا در آینده سازگاری بیشتری با اطراف خود داشته باشند.

از طرف دیگر، وقتی ساعت شروع و پایان مدرسه‌ها طوری است که به هنگام بازگشت دانش‌آموزان به خانه، اولیاء شاغل در خانه حضور دارند و در منزل یک محیط گرم عاطفی پذیرای آنها است، باز هم سلامت فرهنگی محلات تضمین و تقویت می‌شود. زیباست، این قسمت را با سخن حضرت امام خمینی (ره) به اتمام برسانیم که می‌فرمایند:

به فرهنگ غنی ایران اسلامی تکیه کنید و مطمئن باشید که پیروزی از آن شماست. فرزندان عزیزتان را در سر کلاسها به صورتی تربیت نمائید که وقتی فارغ التحصیل می‌شوند، جوانان

برومندی تحویل جامعه کردند که با تمام وجود معتقد باشند که آنچه بدبختی داشتند از ابر قدرتهای شرق و غرب و شرق زدگی و غرب زدگی است.<sup>۱</sup>

### ۶) جایگاه آموزش در نظام آموزش مطلوب

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در شرافت علم می فرمایند:  
 « كفي بالعلم شرفاً ان يدعيه من لا يحسنه و يفرح اذا انتسب اليه من ليس من اهله و كفي با لجهل خمولا انه يتبرأ منه من هو فيه و يغضب اذا نسب اليه».  
 یعنی در شرافت دانش همین بس که آنکه دانش ندارد نیز ادعای دانش می کند، و نادان نیز به همین اندازه که او را دانشمند بگویند، خوشحال می شود و در پستی جهل همین بس که آنهم که گرفتار آن است از این یار و همدم نابکار بیزار است و اگر نسبت نادانی به او بدهند (با آنکه درست گفته اند)، سخت ناراحت و خشمگین می شود.<sup>۱</sup>

۱ - پیام امام خمینی (ره) بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۲-۶۱ از کتاب جوانان از دیدگاه امام خمینی - ناشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار صفحه ۳۰۳.

۲- تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید ثانی و امام خمینی (ره)، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ص ۹.

جایگاه آموزش در نظام آموزش درست در هر کشور، دقیقاً با فرهنگ همان کشور هماهنگ است. وقتی به منابع فرهنگ اسلامی مراجعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم نظر اسلام در مورد جایگاه آموزش و معلم چیست. زین‌الدین ابن‌الشیخ امام نورالدین علی ابن احمد عاملی معروف به شهید ثانی می‌فرماید: موقعیت معلم بسیار مهم است زیرا او فرد بصیر و دانایی است که جامعه وی را برای تحقق و تثبیت اغراض تربیتی بر فرزندان خود گماشته است. از طرف دیگر معلم عامل مهمی برای تجدید فرهنگ هر کشور است.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: انسان از اول اینطور نیست که فاسد به دنیا آمده باشد، با فطرت الهی به دنیا آمده است «کل مولود یولد علی الفطره» که همان فطرت انسانیت، فطرت صراط مستقیم، فطرت اسلام و فطرت توحید است. این تربیت‌ها است که یا همین فطرت‌ها را شکوفا می‌کند یا جلوی شکوفایی فطرت را می‌گیرد. این تربیت‌ها است که یک کشور را ممکن است به یک کمال مطلوبی که آرزوی هر جامعه انسانی است، برساند و یک کشور انسانی باشد، کشور مطلوب اسلام باشد و همین تربیت‌ها یا تعلیمات بدون تربیت ممکن است که اینها را در آن وقتی که مقدرات یک کشوری دست آنها است و همه چیز کشور به دست آنها است،

کشور را به تباهی بکشند. و در جای دیگر می‌فرمایند: مقامی بالاتر از مقام معلم نیست.<sup>۱</sup>

جایگاه آموزش در نظر اسلام آنقدر بالا است که می‌توان حتی فرزندان انسانهای سفاک را توسط نظام آموزشی درست تربیت نمود. یکی از نمونه‌های بارز آن معاویه دوم پسر یزید (لعنت الله علیه) می‌باشد و از این نمونه‌ها در تاریخ فراوان بوده‌اند که توسط یک نظام آموزشی درست در آن زمان که تحت اداره و اجرای یک معلم بوده است، تربیت شده‌اند.

بنابراین در یک نظام آموزشی درست که با فرهنگ دینی ما تطابق داشته باشد، می‌توان رفیع‌ترین جایگاه را به آموزش اختصاص داد. به علاوه، در کشوری که در دوران طولانی تاریخ سیاسی‌اش تحت حکومت پادشاهان ظالم و جاهل بوده و در واقع در اواخر آن دوران، علاوه بر اینکه نظام حکومتی در جهت فرهنگ مردم نبوده و سستهای غلط را بر جامعه تحمیل کرده بود، استعمارگران نیز با توجه به نوع حکومت در صد سال آخر دوران پادشاهی، برای دستیابی به منافع مادی بیشتر از کشورمان در جهت دور کردن مردم از فرهنگ دینی در تلاش بوده‌اند. بنابراین، برای جبران خسارات وارد شده، باید جایگاه آموزش رفیع‌تر از آنچه مورد تصور است باشد. باید توجه شود که اگر به حداقل‌هایی که

---

1- بیانات امام خمینی (ره) در جمع معلمان علوم دینی با اندکی

تلخیص، صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۸ - ۱۳۵۹/۱۱/۱۰.

اسلام برای امر مهم تعلیم و تربیت تاکید نموده است، عمل گردد، قطعاً لطمات وارد آمده از نظام‌های شاهنشاهی فاسد و دست استعمارگران در اندک زمان مرتفع می‌گردد.

بنابراین، امروز از طرفی شاهد حکومتی هستیم که با فرهنگ دینی مردم تطابق دارد و از طرف دیگر احساس ضرورت اصلاحات بصورت گسترده مطرح شده است و در نهایت، اصلاحات را باید از جایی شروع کرد.

نقش نظام آموزشی در یک جامعه همچون نقش مویرگها و سلسله عصبی در بدن انسان است. همانگونه که کوچکترین مشکل بوجود آمده برای هر یک از اعضاء بلافاصله از طریق سلسله اعصاب به مغز منتقل می‌شود و دستورالعمل لازم برای برطرف کردن از طریق همین سلسله عصبی به اعضاء باز می‌گردد و مواد لازم برای هرگونه عکس‌العمل از طریق مویرگها به محل مورد نظر رسانده می‌شود، برای مشکلات جامعه نیز باید از همین الگو بهره گرفت. هرگونه ضعف و مشکل بلافاصله توسط نظام آموزش و پرورش درک و شناخته می‌شود و پس از مطرح کردن آن با صاحب‌نظران و صاحبان فکر و یافتن راه حل از طریق آموزش و پرورش برای حل آن اقدام می‌شود.

بنابراین، شروع اصلاحات از بخشی که چنین خصوصیتی دارد، منطقی‌ترین مسیر است. اجزاء نظام آموزشی که مدارس می‌باشند، نقش مویرگها را در جامعه بازی می‌کنند.

مدارس همچون مویرگها که در تمام قسمتهای بدن وجود دارند، در سراسر جامعه گسترش دارند و بخصوص در کشور ما که کشوری جوان است و حدود یک سوم (۱/۳) جمعیت آن در حال تحصیل هستند و بقیه مردم هم به شکلی با بخش آموزش در ارتباطند، این تناسب بمراتب بیشتر احساس می شود. همچنین در این بخش امکانات بالقوه زیادی وجود دارد که اگر به صورت صحیح بتوان از آن استفاده کرد، می توان اصلاحات را سرعت داد و به ثمر رساند. برای مثال، فرض کنید جامعه ای بخواهد برای سلامت عمومی مردم، فضاهای عمومی ورزشی راه اندازی کند، مسلماً برای انجام چنین کاری باید هزینه هنگفتی سرمایه گذاری کند. درحالی که با استفاده از امکانات مدارس و زمینهای موجود در آنها، این کار به راحتی با هزینه ناچیز امکان پذیر است.

وجود بستر درست و شفاف برای همکاری اولیاء با مدرسه باعث می گردد، شأن مسئولین آموزشی و معلمان مورد تعرض قرار نگیرد. از طرف دیگر، در واقع شأن نظام آموزشی درست آنقدر بالاست که هیچ خانواده ای به خود اجازه نمی دهد تا مشکلات آموزشی و پرورشی فرزندان این کشور حل نشده است، کار دیگری انجام دهد.

در نظام آموزش درست، شأن بالای آموزش باعث می شود رشد روح بزرگ معلمی و کسب تجربیات ارزنده آموزشی با افزایش سابقه کار معلمان بیشتر گردد و معلمان مورد احترام و تکریم بیشتر قرار گیرند. از طرف دیگر، چون دانش آموز از نزدیک

معلمان خود را می‌شناسد و کار معلم فقط در حد تدریس یک کتاب خلاصه نمی‌شود و به معنای واقعی کلمه، معلم هادی و راهنمای دانش‌آموزان است، معلم احساس کرامت می‌کند و دانش‌آموزانش را در تمام ابعاد رشد می‌دهد. مسلماً با وجود فرهنگ دینی حاکم بر کشور، دانش‌آموزان نیز معلمانشان را فراموش نمی‌کنند و حتی در مکانهای زیارتی همانطور که مستحب است آنها را در دعاهاى خود به یاد می‌آورند.

در آموزش درست، شأن بالای آموزش باعث می‌گردد به کوچکترین مشکل معلم و دانش‌آموز توجه عمیق شود و برای رفع آن تلاش گردد. در این صورت قطعاً مشکلاتی مثل اعتصاب معلمان برای رفع مشکلاتشان و پروازی بودن آنها که امروز به عنوان مشکل مطرح است، وجود نخواهد داشت.

از طرفی دیگر، در چنین شرایطی، دانش‌آموزان برای خودشان ارزش قائلند و نمی‌گذارند عمرشان هدر رود، زیرا خوب می‌دانند ارزش بالایشان باعث گردیده که این همه امکانات برای رشد و شکوفایی آنها تدارک دیده شود.

شأن بالای آموزش باعث می‌گردد، با استعدادترین تحصیل کرده‌های جامعه برای معلم شدن رقابت نمایند و شخصیت بالای معلم به عنوان الگوی عینی جامعه مطرح شود (در قسمتی مجزا نحوه انتخاب معلم مورد بحث قرار قرار می‌گیرد). تنها در این صورت است که می‌توان امید داشت که معلمان، این گلهای سرسبد

جامعه، بتوانند به طور درست در شأن جامعه و حکومت اسلامی به تکالیف خود عمل نمایند.

در نهایت، جایگاه آموزش از آن جهت بالا است که اگر جامعه‌ای بخواهد اطلاعات و تغییرات مطلوب را سریعاً به مردم منتقل نماید، به راحتی می‌تواند از طریق نظام آموزشی درست و قوی به تمام مردم به صورت ملموس و موثر منتقل نماید و بازخورد سریع آن را مشاهده نماید تا در برنامه‌ریزی‌های بعدی بصورت سریع از آن استفاده نمایند.

در چنین شرایطی، ساختار آموزشی همه ساله بهبود پیدا کرده و با بهبود ساختار آموزشی شأن معلم نیز بالاتر می‌رود.

**(۷) وضعیت تحقیق و تفکر**

در ساختار آموزشی درست، دانش‌آموزان روح علمی پیدا می‌کنند. استاد مطهری می‌فرماید: «روح علمی یعنی روح حقیقت‌جویی، روح بی‌غرضی و طبعاً روح بی‌تعصبی، روح خالی از جمود و روح خالی از غرور» و در جایی دیگر لزوم همراه بودن عقل با علم را مطرح کرده و اینطور می‌فرماید: «اول انسان باید عالم باشد، مواد خام را فراهم کند و بعد عقل تجزیه و تحلیل نماید» و در ادامه می‌فرماید: در تمام این عالم تکوین، آیات الهی و نشانه‌های خدا هست، عقل من هم عالیترین عقل باشد، ولی من که از مواد به کار رفته در این ساختمان بی‌اطلاعم، با عقل خودم چه چیزی را می‌فهمم و آیات الهی را چگونه کشف کنم؟ باید با علم، آنها را کشف کنم و با عقلم درک نمایم.»<sup>۱</sup>

پس در نظام آموزشی درست، دانش‌آموزان در هر دو بعد پرورش می‌یابند. یعنی مدرسه مکانی است که در آن زمینه‌های مورد نیاز برای تحقیق کردن دانش‌آموزان فراهم است. همچنین نحوه ارتباط معلم با دانش‌آموزان نیز طوری است که عقل دانش‌آموزان پرورش می‌یابد.

۱- تعلیم و تربیت اسلامی استاد مطهری، انتشارات صدرا، چاپ بیستم،

مگر می‌شود بدون پرورش روح تحقیق در دانش‌آموزان، در دنیای امروز زندگی کرد و نسبت به آماده‌سازی و تربیت نسل آینده، برای زندگی فردا گام موثری برداشت؟

واقعیت این است که دیگر نمی‌توان حرف از سربلندی ملتی زد که اهل تحقیق نیست و می‌خواهد با اطلاع‌رسانی صرف به رشد و شکوفایی برسد.

مگر ممکن است تحقیق نکرد و بتوان با این تغییر و تحولات دنیای امروز پیش رفت و بتوان کشوری را اداره کرد. بنابراین، تمام موانع موجود بر سر راه دانش‌آموزان و معلمان برای تحقیق در نظام آموزشی فعلی، در نظام آموزشی درست وجود ندارد.

در اینجا باید تأکید کنم که در نظام آموزشی درست باید زمینه‌هایی که لازم است محقق بتواند به طور اصولی به کار تحقیقاتی ادامه دهد، فراهم گردد. در واقع، نظام آموزشی درست برای اینکه محقق بتواند با عشق، اهداف خود را دنبال کند، باید علاوه بر جایگاه ارزشی اجتماعی، امکانات زیر را نیز در اختیار داشته باشد:

- ۱- مکان تحقیق
- ۲- زمان یا فرصت تحقیق
- ۳- امکانات تحقیق
- ۴- مربی

مکان تحقیق بایستی به راحتی در دسترس محقق باشد. بنابراین، در نظام آموزشی درست، مدارس مکان تحقیق معلمان و دانش‌آموزان می‌باشند. یعنی وقتی معلم و دانش‌آموز در نزدیک مدرسه زندگی می‌کنند، آنجا مکان خوبی برای تحقیق این عزیزان است.

در نظام آموزشی فعلی یکی از موانع برای انجام تحقیق نبود زمان یا فرصت تحقیق در مدارس است. در واقع در نظام آموزشی برای معلمان و دانش‌آموزان زمان و فرصت فکر کردن و تحقیق کردن منظور نشده است. ولی، در نظام آموزشی درست ساعاتی از برنامه هفتگی دانش‌آموزان و معلمان به این منظور اختصاص داده شده است. در واقع، این ساعات در اختیار خودشان است تا در این فرصت‌ها بتوانند به تحقیق و پژوهش بپردازند و از آنجایی که تعداد دانش‌آموزان و معلمان یک محیط آموزشی محدود است و معلمان و دانش‌آموزان به طور کامل از ساعت هشت صبح الی چهار بعدازظهر در محیط آموزشی هستند، دانش‌آموزان و معلمان از توانایی‌های یکدیگر اطلاع کامل دارند و هر کدام از وجود یکدیگر بهره می‌برند.

وقتی مردم و اولیاء نقش تحقیقات دانش‌آموزان در آشکار شدن و شکوفا شدن خلاقیتها و توانایی‌های آنها را در علوم تجربی و نیز در بهبود امور اجتماعی مدرسه و محل مشاهده می‌نمایند، دلیلی وجود ندارد تا مردم حداکثر امکانات خود را در جهت شکوفایی مدارس بکار نگیرند. در واقع در نظام آموزشی درست،

وجود بستر درستی برای همکاری اولیاء با مدارس، سرعت تهیه امکانات لازم برای تحقیق را افزایش می‌دهد.

یکی دیگر از موانع ایجاد روح تحقیق در دانش‌آموزان، نداشتن معلم محقق در نظام آموزشی فعلی است. بنابراین، در نظام آموزشی درست، برای رفع این مشکل به یک بسیج عمومی (برای تربیت و به کارگیری معلمان محقق و تشویق و توسعه روحیه تحقیق در معلمان فعلی) احتیاج است. زیرا در این بعد، ضعف عمیق بوده و بسنده نمودن به تعداد اندک محقق موجود در آموزش و پرورش نمی‌تواند کارساز باشد.

ایجاد زمینه برای تحقیق معلمان نمی‌تواند بطور سریع ضعفهای عمیق موجود را برطرف نماید. پس باید علاوه بر فراهم کردن امکانات تحقیق برای معلمان از تمام نیروهای متخصص ایران عزیز (تحصیل کرده‌ها و یا کسانی که تجربه عملی دارند) نیز استفاده نمود. چون چنین محققینی در سراسر جامعه پخش هستند، می‌توانیم از این عزیزان بنحواهیم ضمن معرفی موضوع تحقیقاتی، تجربه عملی خود را در اختیار معلمان بگذارند و تمام این موضوعات تحقیقاتی بنام خود این افراد ثبت گردد و اسم این عزیزان در فهرست خادمین مردم قرار داده شود تا عشق به در اختیار گذاشتن چنین تجربیاتی در مردم ما تقویت گردد.

در این صورت، در زمان کوتاهی می‌توان مشکل را حل نمود. بنابراین، در نظام آموزشی درست برای شروع فعالیتهای پژوهشی می‌توان از تمام افرادی که مرتبه کارشناسی ارشد به بالا و

حداقل یک تجربه موفق در امر تحقیق دارند، استفاده کرد. این عزیزان مسئولیت پیدا می‌کنند که برای هر رشته و هر مقطع تحصیلی موضوع تحقیقاتی مناسب تهیه کنند و به همکاران خود معرفی نمایند و همچنین در آموزش روشهای تحقیق و نیز در انتقال تجربیات تحقیقات خود به دیگر معلمان نقش اساسی ایفا کنند.

در این صورت، می‌توان امید داشت در زمان کوتاهی، معلمان با روش تحقیق آشنا شوند و از تعداد زیادی موضوعات تحقیقاتی مطلع باشند. در چنین شرایطی است که موضوعات تحقیقی پیرامون مسائل و مشکلات محلی، در مورد علوم اجتماعی و موضوعات تحقیقی علمی رشته‌های مختلف توسط دانش‌آموزان و معلمان ارائه می‌گردد. تحت چنین شرایطی، هر دانش‌آموز قبل از پایان دوره دبیرستان، میزان علاقه‌اش به رشته‌های مختلف را می‌داند و می‌توان امید داشت که فرزندان این کشور موضوعات تحقیقاتی مورد نیاز جامعه را شناخته و قادر باشند تواناییهای خود را برای رفع این نیازها نشان دهند. در نهایت، متذکر می‌شویم از آنجایی که میزان علاقه دانش‌آموزان به رشته‌های مختلف مشخص می‌گردد، می‌توان امید داشت که گزینش دانشجو بصورت واقعی بر اساس علایق و توانایی‌ها صورت گیرد. یعنی، وقتی دانش‌آموزان به یک یا دو رشته علاقه بیشتری نشان می‌دهند، با استفاده از سوابق کاری و تحقیقاتی و نظر کارشناسی معلمان که در پرونده هر دانش‌آموز ثبت گردیده است، می‌توان گزینش دانشجو نمود.

در چنین شرایطی، مردم ما می‌توانند امید داشته باشند که تعداد کثیری از دانش‌آموزان دوره متوسطه با تحقیق آشنا می‌شوند و لذت تحقیق کردن را می‌چشند. در این صورت، قطعاً عقب ماندگی در بعد تحقیقاتی در حداقل زمان جبران می‌شود.

### **۸) رابطه معلم و دانش آموز**

از آنجایی که در نظام آموزشی درست، معلمان از نزدیک همدیگر را می‌شناسند و برای یک هدف مشترک و متعالی تلاش می‌کنند و تناقض در رفتار معلمان وجود ندارد و دانش‌آموزان از نزدیک می‌بینند که این عزیزان چقدر برای هدف مشترک در تلاش‌اند، پس تذکرات معلمان را با تمایل قلبی دنبال می‌کنند. در واقع، به حرفها و نصایح معلمان عملاً توجه می‌کنند. در این صورت، دانش‌آموزان برای تجربیات معلمانی که بطور متوسط ده تا پانزده سال تجربه بیشتری از آنها دارند، ارزش قائل هستند. بنابراین در چنین فضایی، دانش‌آموزان عملاً نقش بزرگترها را که تجربه زندگی بیشتری دارند، درک می‌کنند و به مفاهیم فرهنگی بجا مانده از نسل‌های گذشته توجه کرده و نمی‌گذارند تجربیات آنها هدر رود. در واقع، عملاً تأثیر مفاهیم فرهنگی بجا مانده از نسل‌های گذشته را در زندگی خود مشاهده می‌نمایند. در چنین شرایطی، دانش‌آموز به معلمش عشق می‌ورزد و از فرصتهایی که نصیبتش می‌شود، خوب استفاده می‌نماید و به دلیل مبادله تجربیات بین معلمان و دانش‌آموزان، عمر مفید افراد در جامعه زیاد می‌شود.

از طرف دیگر، نحوه ارزشیابی دانش‌آموز در آموزش درست طوری است که حقی از دانش‌آموز ضایع نمی‌گردد. در نظام آموزشی درست، دانش‌آموز بدون تلاش و فعالیت اصلاً وجود ندارد و اگر روزی دانش‌آموزی در حد توانش تلاش نکرد، معلمان علت آنرا می‌دانند و در جهت رفع مشکل او تلاش می‌کنند و برخورد غیر منطقی با وی انجام نمی‌دهند. در این صورت، دلایل کافی برای ماندگاری و دوام عشق بین معلم و شاگرد وجود دارد. پس می‌توان نتیجه گرفت که دانش‌آموز از معلمش رضایت کامل دارد و به او عشق می‌ورزد.

از طرفی دیگر دانش‌آموز از نزدیک معلم را در تمام میدانها فعال می‌بیند و با او از نزدیک در ارتباط است و مشکلاتش را با وی در میان می‌گذارد، در واقع معلمان فقط در مدرسه با دانش‌آموزان نیستند بلکه آنها در محل زندگی نیز، یک دوست مطمئن برای دانش‌آموزان هستند. به همین دلیل، برای یک دوره بلند مدت (در تمام طول عمر) از تجربیات معلمانشان که تعداد آنها نیز محدود است، استفاده می‌کنند.

از طرفی دیگر، دانش‌آموزان در چشم معلمان جایگاه ویژه‌ای دارند، چون عملاً لمس می‌کنند که اکثریت دانش‌آموزان از استعداد سرشاری برخوردار هستند و تمام این استعدادها در مدرسه شکوفا می‌شوند. بعلاوه چون دانش‌آموزان هر کدام در مدرسه مسئولیتی دارند و تواناییهای بالقوه خود را به شکلهای مختلف عملاً نشان داده‌اند، مورد تکریم قرار می‌گیرند، به طوری که

دانش آموز خود را درمی یابد و برای خودش ارزش قائل می شود (در مقالات بعدی نحوه تقسیم کارهای مدرسه و مسئولیت های مختلف بین دانش آموزان بطور مستقل بحث خواهد شد).

*مولای متقیان علی علیه السلام می فرماید: هر کس که شخصیت خویش را شریف بدارد، از لغزش ها و گناهان مصون بماند.*<sup>۱</sup> در واقع، در نظام آموزشی درست زمینه های لازم برای تکریم دانش آموزان وجود دارد.

نویسنده، خود مشاهده کرده است که جوانان چقدر تشنه محبت هستند و بارها دیده است که وقتی در مدت طولانی به آنها محبت می شود، چقدر متواضع می گردند.

در چنین شرایطی، دانش آموزان به حرفهای معلمان و مواد آموزشی تدریس شده توسط آنها دقت می نمایند و در مناسبتهای مختلف و اعیاد به منزل معلمان رفته و از نزدیک عرض ادب می نمایند و در مواقع نیاز، معلمان را به یاری می طلبند. در این صورت، می توان انتظار داشت که کار معلمی واقعی در کشور انجام شود.

در نتیجه در نظام آموزشی درست، معلم و شاگرد نه تنها در مقابل یکدیگر نیستند، بلکه در کنار یکدیگر هستند.

---

۱ - غرالحکم، انتشارات دفتر نشر اسلامی، برگرفته از مجله پیوند

## ۹) تعداد دانش آموز، فضای فیزیکی و نحوه ساخت و معماری مدارس

در نظام آموزشی درست، هر سه بعد، یعنی فضای فیزیکی، نحوه ساخت مدارس و تعداد دانش آموز، عمیقاً مورد توجه قرار می گیرد. مدرسه مکانی است با ویژگی های خاص خود، قطعاً سرسبز است و برای ساختن آن به طرزى که با آن ویژگی ها هم خوانی داشته باشد، فکر شده است. به عنوان مثال، حتی برای ارتفاع دیوارها، نوع رنگ آمیزیها، پهنای درب و راهروها و... طراحی ویژه صورت گرفته است.

### ۱) تعداد دانش آموز

در نظام آموزشی درست، حداکثر تعداد دانش آموز برای مدارس ابتدائی یکصد نفر (۱۰۰) و برای مدارس راهنمایی حدود یکصد و هشتاد نفر (۱۸۰) و برای دبیرستان و پیش دانشگاهی حدود دویست و چهل نفر (۲۴۰) در نظر گرفته می شود. این معیارها به عنوان یک فرهنگ ملی مورد پذیرش تمام دست اندرکاران آموزش و اولیاء قرار گرفته است. زیرا، همه به این امر واقف هستند که در غیر این صورت تمام هزینه های انجام شده به هدر می رود (مثل آنچه که در نظام آموزش فعلی مشاهده می شود). در مقاله دیگر توضیح داده می شود که چگونه کشور عزیزمان توانایی دارد در حداقل زمان ممکن تمام مدارس را اینگونه تجهیز نماید.

کشورهای پیشرفته‌ی امروز به این نکته پی برده‌اند، در این کشورها مساحت فضاهای آموزشی کم و بیش دارای این معیارها است. از آنجایی که این طرح (مدارس ابتدائی نباید بیش از صد (۱۰۰) دانش‌آموز و مدارس راهنمایی صد و هشتاد (۱۸۰) و دبیرستان همراه با پیش‌دانشگاهی دویست و چهل (۲۴۰) دانش‌آموز داشته باشد) به عنوان یک فرهنگ ملی مورد پذیرش قرار گرفته است، قطعاً اگر مسئولی از این امر تخلف نماید، با اعتراض شدید اولیاء مواجه خواهد شد و با متخلف برخورد جدی می‌شود.

## **(۲) مساحت فضاهای آموزش**

در نظام آموزشی درست، تمام مدارس یک نوبته هستند، زیرا نحوه برنامه آموزشی روزانه و فعالیتهای درسی و کار دانش‌آموزان طوری نیست که بتوان از مدارس دو نوبته استفاده نمود. از طرف دیگر، فضای آموزشی هر مدرسه با توجه به کاربری آن مشخص می‌گردد. به عنوان مثال، برای مدارس عادی، حداقل پنج هزار متر مربع کافی به نظر می‌رسد. در حالی که اگر هنرستان کشاورزی است، کمتر از پنجاه هزار الی هفتاد هزار مترمربع منطقی به نظر نمی‌رسد، زیرا دانش‌آموزان در این رشته‌ها باید میدان عمل داشته باشند تا ضمن خوگرفتن با کشاورزی، بتوانند عوامل مؤثر بر رشد گیاهان را تجربه نمایند (هر چند یافتن این مقدار مساحت آزاد بویژه در شهرهای نظیر تهران، اصفهان، شیراز کمی مشکل است

بنابراین، چنین هنرستان‌هایی را بایستی در شهرستان‌های کوچک که امکانات کافی در اختیار دارند تأسیس نمود).

در این صورت، می‌توان انتظار داشت این عزیزان به رشته خود عشق بورزند و حاضر نباشند در غیر از رشته خود فعالیت نمایند. یکی از مشکلات فعلی کشور این است که درصد زیادی از افراد در رشته تخصصی خود فعالیت نمی‌کنند.

وجود فضای کافی برای دانش‌آموزان دیدگاه فیزیکی آنها را وسعت می‌دهد و با رفع مشکل ازدحام، فرصت کافی برای مشاهده محیط اطراف و برقراری رابطه کلامی و عاطفی با دیگر دانش‌آموزان در شرایط مناسب و آرام را در اختیار آنان قرار می‌دهد.

از آنجائیکه به علت فضای کافی، حریم نسبی دانش‌آموزان رعایت می‌شود، دانش‌آموزان رعایت حریم برای خود و دیگران را به عنوان یک امر بدیهی می‌پذیرند و در طول زندگی خود بدان عمل می‌کنند.

در واقع باید گفت: در نظام آموزشی درست، به مدرسه‌ای که مساحت فضای آموزشی‌اش به حد مورد نظر نباشد اجازه شروع بکار و ساختن داده نمی‌شود. از طرف دیگر، وقتی تمام مردم، نقش مساحت فضای آموزشی را در تربیت فرزندانشان مؤثر می‌دانند، و آگاه هستند اگر فضای فیزیکی مدارس بزرگ نباشد معلمان و دست‌اندرکاران آموزشی و دانش‌آموزان خسته می‌شوند و در این

صورت نمی‌توانند افراد مؤثری در آموزش و یادگیری باشند، امکانات لازم، برای داشتن چنین مدرسی را فراهم می‌کنند.

### **(۳) نحوه ساخت و معماری بیرونی و داخلی مدارس**

بعد دیگری که در نظام آموزش درست، بدان توجه می‌شود، ساختن مدارس محکم، با معماری ایرانی - اسلامی، دارای آزمایشگاه، کتابخانه، زمین ورزش، و حتی نمازخانه چند منظوره (یعنی علاوه بر اجرای فریضه نماز جماعت بتوانند کارهای فوق برنامه هم در آن انجام دهند) می‌باشد.

بنابراین، برای ساختن مدارس، بایستی از مهندسی استفاده شود که از بالاترین درجه علمی در کشور برخوردارند و با روحیات عاطفی و اخلاقی جامعه ایرانی - اسلامی آشنائی کامل دارند و معماری داخلی و خارجی ایرانی - اسلامی را خوب می‌شناسند. در آموزش درست، این مطلب به عنوان یک فرهنگ ملی مورد پذیرش مسئولین کشور قرار می‌گیرد تا ضمن درست کردن مدارس با سبک ایرانی - اسلامی از هزینه‌های تلف شده به علت خرابی مدارس بکاهیم و مدارس کشور بتوانند سالیان سال محور فعالیت فرهنگ دوستان و مورد استفاده‌ی جامعه قرار گیرند.

مهندسين راه و ساختمان بايد فكر كنند كه چرا مدارس علميه‌اي كه توسط ايراني‌هاي حدود سيصد سال پيش ساخته شده‌اند، مثل مدرسه حكيم و مدرسه امام صادق (ع) در خيابان چهارباغ اصفهان، هنوز خراب نشده‌اند، در حالي كه مدارس در كشور داريم كه كمتر از پنجاه سال پيش بنا شده‌اند و امروز مخروبه هستند. مگر دانش و فناوري ساختمان و معماری پیشرفت نکرده است، مگر ما در این پنجاه سال گذشته دانشگاه نداشته‌ایم، پس چرا وضع ساختمان مدارس، اینطور است!؟

بنابراین، در نظام آموزشی درست، برای انتخاب مکان آموزشی مناسب، در تمام ابعاد دقت کافی صورت می‌گیرد. یعنی قطعاً مدرسه را مثلاً نزدیک بیمارستان، خيابان اصلي يا يك کارخانه پرصدا درست نمی‌کنند. بعلاوه فضای آموزشی را طوری در نظر می‌گیرند كه بتوان تمام ابعاد وجودی دانش‌آموزان را در آن به طور درست پرورش داد.

معماری، نماسازی و تزئینات داخلی و خارجی مدرسه، تناسب ساختمان با محیط جغرافیایی و آب و هوایی و داشتن حریم و فضای سبز مناسب به دقت طراحی می‌شود و یک هماهنگی تام بین آنها وجود دارد. تحت چنین شرایطی، حتی نگاه کردن به در و دیوار و معماری مدرسه و قرار گرفتن در فضاهای دقیقاً طراحی شده آن بخشی از فرآیند آموزش و تربیت می‌باشد.

### ۱۰) مواد و محتوی آموزشی در نظام آموزش صحیح

آموزش چیزهایی است که ملت بدان نیاز دارند (امام خمینی (ره) ۵۹/۴/۱۰).

نیازهای آموزشی افراد جامعه مان را در دو بخش می‌توان در نظر گرفت :

۱- آموزشهایی که کلیه انسانها صرف نظر از اینکه در کجا زندگی می‌کنند، به آنها احتیاج دارند.

۲- آموزشهایی که لازمه زیستن در جوامع اسلامی می‌باشد (مثل نیازهای فرهنگی و اعتقادی).

متأسفانه باید گفت کشور ما در هر دو بعد ضعف دارد. البته در بعد دوم علمای این سرزمین بسیار کار کرده‌اند (فقه پویا) و حدیث و سخنان بزرگان را جمع‌آوری کرده و به آموزش آن به توده‌های مسلمان پرداخته‌اند. لکن، به علت دگرگونی‌های ایجاد شده در جوامع امروزی، برای پیاده کردن عملی دستورات دینی با مشکل روبرو بوده‌اند و جوامع اسلامی تاکنون موفق نبوده‌اند چنین مطالبی را عملاً در نظام آموزشی سراسری بگنجانند. برای روشن شدن موضوع به چند مثال اشاره می‌کنیم.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «حد الجوار اربعون داراً من کُلِّ جانب من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله»<sup>۱</sup>

1- وسایل الشیعه، جلد ۲.

مسلمانها باید از وضع زندگی چهل همسایه خود، از طرف چپ و راست و مقابل و پشت سر با خبر باشند. در زندگی شهری عصر حاضر، در شهرهای بزرگ، مثل تهران و اصفهان، همسایه به ندرت همسایه خود را می‌بیند، چه رسد به اینکه از احوالات او با خبر باشد.

امام علی علیه السلام در قسمتی از خصائص الرجال و النساء می‌فرماید: «هر گاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به حریم خود راه نمی‌دهد.»<sup>۱</sup>

زنان مسلمان برای اینکه بتوانند تواناییهای خودشان را نشان دهند و در یک مجموعه اجتماعی کار کنند، مجبور هستند برای شناساندن خودشان نسبت به سرپرستان مرد در امور شغلی تسلیم باشند و ناچاراً رویه توصیه شده دین اسلام را کنار بگذارند تا به زعم خود از طریق پیشرفت در مراحل اداری بتوانند در شأنشان به جامعه خدمتی بنمایند.

بچه‌های ما که تناقض‌هایی شبیه اینها را می‌بینند، نسبت به تواناییهای دستورات دینی در اصلاح امور زندگی بی‌اعتقاد می‌شوند و تصور می‌کنند آموزشهای دین برای هزار سال پیش کارایی داشته و امروز کارایی ندارد.

در نظام آموزشی درست، معلمان نیازهای ضروری دینی را در طول تحصیلات دانش‌آموزان به طور عملی آموزش می‌دهند. در

---

1- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۶۷۹، حکمت ۲۳۴.

واقع، نظام آموزشی درست تمام زمینه‌های لازم برای آموزش عملی چنین مطالبی را فراهم می‌نماید.

از طرف دیگر، در نظام آموزشی درست، تمام معلمان برای انتخاب محتوای آموزشی فکر و تلاش می‌کنند و خلاقیت‌های انفرادی و جمعی خود را به صورت چاپ کتاب به نمایش می‌گذارند و مسئولیت وزارتخانه در این مرحله تنها نقش تشویقی و تدارکاتی و سیاستگذاری منبسط است. در این صورت، دیگر نیاز نیست همه ساله حدود صد و هشتاد میلیون جلد کتاب چاپ شود و در سال بعد دور ریخته شود. در واقع، کتاب‌های مورد نیاز توسط معلم هر درس انتخاب و برای دانش‌آموزان سفارش داده می‌شود و از طریق کتابخانه مدرسه در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد.

مسلماً این که هر معلم محتوای آموزشی که قرار است تدریس نماید را خود تنظیم نماید، فایده‌های بسیار خواهد داشت که چند مورد آن را ذکر کرده و کشف بقیه آنها را به عهده شما خواننده گرامی می‌گذاریم.

- ۱- رشد علمی و رقابت سالم بین معلمان جامعه را فراهم می‌آورد.
- ۲- مطالب آموزشی مورد نیاز جامعه آموزش داده می‌شود و آموزش‌ها به روز می‌شود.
- ۳- مطالب آموزشی با رشد فناوری و رشد کیفی زندگی همراه است.
- ۴- مهمترین فایده این است که جامعه معلمان، اهل فکر و تفکر و خلاقیت می‌شوند و باعث کاهش درصد خطاها در انتخاب برنامه درسی و محتوای آموزشی می‌شود.

بعلاوه، در آموزش درست، نه تنها همه معلمان بصورت فعال برای تعیین محتوای آموزش تلاش می‌کنند، بلکه از تمام کارشناسان و متخصصان کشور نیز استفاده می‌شود. مثلاً، وقتی پزشک متخصص محلی متوجه می‌شود آمار کمر دردهایی که در اثر عدم درست بلند کردن اجسام ایجاد می‌شود، زیاد است و ندانستن چگونگی بلند کردن اجسام مشکلاتی را فراهم کرده است، نحوه بلندکردن اجسام را در آموزش آن شهری که چنین مشکلی دارد، وارد می‌کند. با این کار در نظام آموزشی درست حتی از تجربیات متخصص‌های محلی نیز برای تنظیم محتوای آموزش استفاده می‌شود.

بنابراین، نظام آموزش درست اینطور است که معلمان در شناخت مسائل تربیتی دانش‌آموزان و رشته‌ای که تدریس می‌نمایند به درجه تمیز رسیده‌اند. یعنی، تشخیص می‌دهند که چه مطالبی را و چه مسائل تربیتی را باید دنبال نمایند. در واقع، اگر معلمی این توانایی را ندارد، نباید به او معلم گفت.

در چنین شرایطی، تعداد افرادی که برای تعیین محتوای آموزشی و پی‌گیری مسائل تربیتی تلاش می‌کنند، افزایش می‌یابد. بنابراین، درصد خطاها کمتر و آموزش نیز به روزتر می‌شود. این در حالی است که در نظام آموزش فعلی فقط تعداد محدودی کارشناس در مورد محتوای آموزشی هر رشته تصمیم می‌گیرند. بعلاوه، تعداد افراد صاحب نظر در مسائل تربیتی کم هستند.

در آموزش درست، همه دروس به یک صورت آموزش داده نمی‌شوند. قطعاً بعضی از دروس، به صورت سخنرانی تدریس می‌شوند و در واقع لزومی ندارد که چند کلاس هم پایه به صورت جدا تشکیل شود. شاید برخی خوانندگان بگویند یکی از اهداف دوره دبیرستان همانطور که خودتان گفته‌اید برقراری رابطه دوستانه معلم و شاگرد است که در اجرای سخنرانی دسته جمعی تأمین نمی‌شود. در جواب خواهیم گفت قطعاً همینطور است ولی از آنجائیکه در مدارس با نظام آموزش درست تعداد دانش‌آموزان یک مکان آموزشی محدود است و بعلاوه معلمانی که حداقل برای یک دوره آموزشی (سه ساله) با دانش‌آموز تماس دارند نیز محدود است، رابطه معقول منطقی بین عزیزان معلم و دانش‌آموزان بوجود آمده است و دیگر نیاز نیست در این قبیل دروس سخنرانی از کلاس‌های موازی استفاده شود و در ضمن با این کار ارتباط بین دانش‌آموزان کلاس‌های مختلف نیز تقویت می‌گردد.

در آموزش درست، از تکرار مطالب غیرضروری که باعث می‌گردد دانش‌آموزان نیز خسته شوند، جلوگیری می‌شود. معلم به گونه‌ای برخورد می‌کند که دانش‌آموزان درک کنند وقتی ابزار و امکانات یادگیری به نحو خوبی و در همه‌جا در اختیارشان قرار دارد و هر روز نیز با آن برخورد می‌کنند، پس باید از وقت گرانه‌های خود و مدرسه نهایت استفاده را ببرند و خودشان برای یادگیری آن مطالب اقدام نمایند. بنابراین، برخی از مطالب را در

حین برخورد و تماس معلم با دانش‌آموزان یاد می‌گیرند (در واقع زمینه‌های لازم برای این کار فراهم شده است).

تعداد مواد آموزشی در نظام آموزش درست محدودتر است، ولی در برنامه آموزشی یک دوره، مطالبی که دانش‌آموز نیاز دارد را به وی آموزش می‌دهند. یعنی، در طول هر دوره، بعضی از نیازهای دانش‌آموز با معرفی کتاب و برخی دیگر بصورت عملی آموزش داده می‌شود.

در نظام آموزش درست، مأموریت اصلی دوره‌های مختلف آموزشی قبل از دانشگاه (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) تربیت دینی درست است. برای رسیدن دانش‌آموز به تربیت دینی و ارتباطات اجتماعی درست چارچوبی طراحی شده است که تمام دانش‌آموزان به یک حد مورد قبول عقلانی جامعه برسند و در هر دوره با توجه به سن در ابعاد تربیتی اجتماعی رشد کنند.

در آموزش درست، علاوه بر مأموریت اصلی تمام دوره‌ها که چند بعدی است، یک مأموریت اصلی برای هر دوره آموزشی مشخص می‌شود بطوریکه همه می‌دانند وقتی دانش‌آموزی مثلاً دوره ابتدایی را بگذراند در چند بعدی که مأموریت اصلی آموزش و پرورش آن دوره است، پیشرفت کرده است.

بنابراین، تعریف مأموریت اصلی هر دوره آموزش بعد از کارشناسی مشخص می‌گردد. به عنوان مثال، در بعد آموزش زبان‌آموزی، مأموریت اصلی می‌تواند به ترتیب زیر باشد:

در واقع فرزندان این کشور توانایی دارند تا مقطع دیپلم به سه زبان که نیاز اجتماعی آنهاست، مسلط شوند. از این جهت مأموریت اصلی در دوره ابتدایی ادبیات فارسی و در دوره راهنمایی زبان عربی و در دوره دبیرستان زبان انگلیسی می‌باشد. یعنی، دانش‌آموز در دوره ابتدایی ادبیات فارسی را خوب یاد می‌گیرد و در دوره راهنمایی کاربرد ادبیات را دنبال می‌کند. یعنی، مثلاً روی کتاب‌خوانی و کتاب‌نویسی با دانش‌آموزان کار می‌شود. در حقیقت، روکش محتوی اصلی و مأموریت اصلی در بعد زبان آموزشی فراگیری ادبیات فارسی، عربی و انگلیسی است، ولی مغز مأموریت، اهداف عالی تربیتی از جمله ایجاد انگیزه تلاش برای کسب علم و تقوا در تمام ابعاد است.

بعلاوه، با فراگیری زبان عربی در دوره راهنمایی، آموزش ادبیات فارسی نیز تکمیل می‌شود. در چنین شرایطی در پایان دوره راهنمایی، ادبیات فارسی دانش‌آموزان قطعاً به سطح عالی می‌رسد و از نظر درس عربی پیشرفت‌های خوبی نموده‌اند و در دوره بعدی یعنی دوره دبیرستان بر روی کاربرد درس عربی در برخی از دروس تکیه می‌شود. در همین دوره، زبان انگلیسی مطرح می‌شود و بطور جدی در این مورد کار می‌شود، بطوریکه کسانی که این دوره را گذرانده‌اند بتوانند به راحتی صحبت کنند و از زبان انگلیسی و عربی به طرز درستی استفاده کنند. با این برنامه پیشنهادی، تعداد ساعات تدریس هیچکدام از این زبانها در کل تغییر نکرده است. یعنی، بجای اینکه دانش‌آموز از اول راهنمایی تا پایان دوره

دبیرستان درس عربی بخواند و در نهایت نیز عربی نداند، در دوره راهنمایی ساعات بیشتری بدان اختصاص داده شده و بیشتر و بهتر این زبان را فرا گرفته است و در دوره دبیرستان دانش‌آموز درس عربی ندارد ولی روی کاربرد درس عربی در برخی از دروس مثلاً ترجمه قرآن مجید و احیاناً آشنایی با تفاسیر، کار می‌شود و در دوره دبیرستان بجای تدریس عربی به تعداد ساعات تدریس زبان انگلیسی افزوده می‌شود.

با این کار در پایان دوره دبیرستان، ادبیات فارسی و عربی دانش‌آموزان در حد خوبی است. در درس انگلیسی هم پیشرفت‌های معقولی کسب نموده‌اند. بنابراین، ما پیشنهاد می‌کنیم که یک سوم وقت دانش‌آموزان را در هر دوره به فراگیری زبان‌آموزی صرف شود و در ضمن آموزش عربی و انگلیسی و ادبیات فارسی، متن‌های ادبی کارساز که محتوای تربیتی و دینی داشته و روی تربیت دانش‌آموزان اثر داشته باشد، مطرح شود تا در نهایت دانش‌آموز بعد از اتمام هر دوره تحصیلی، حداقل در یک بعد که نقش اساسی در سایر ابعاد زندگی هر فرد دارد، تا حد معقولی رشد نموده باشد.

در آموزش درست معلمان اهل عمل هستند و مسائل تربیتی را بیشتر با عمل آموزش می‌دهند و از نصیحت کردن بدون عمل استفاده نمی‌نمایند و خوب می‌دانند حرف زدن بدون عمل تأثیر ندارد. در حالیکه در نظام آموزشی فعلی اگر معلمان هم اهل

عمل باشند، دانش‌آموز نمی‌تواند عمل معلم را ببیند تا شیفته چنین معلمی شود و از او درس بگیرند.

از طرف دیگر، از آنجایی که در نظام آموزشی درست، فرصت برقراری ارتباط درست بین معلمان و دانش‌آموزان وجود دارد، نیازی به تبلیغ زبانی احساس نمی‌گردد و از روش تربیت کلامی که برای دانش‌آموزان خسته کننده است کمتر استفاده می‌شود.

در نظام آموزشی درست، نحوه آموزش بگونه‌ای است که دانش‌آموز را وادار به تفکر می‌کند. اینکه امروز ما در بعد فناوری از بعضی از کشورها عقب‌تر هستیم، بدان علت است که در آموزش برخی از علوم به بیراهه رفته‌ایم. مثلاً در آموزش علوم تجربی بجای اینکه دانش‌آموز را از محسوسات به قوانین برسانیم، با بیان لفظی قوانین خواسته‌ایم علوم را آموزش دهیم. این کار، علاوه بر منطقی نبودن، با فطرت نیز هماهنگ نیست. به همین علت ایران عزیز در بعد علوم تجربی از غربی‌ها عقب افتاده است.

چارلز کاکس در مقدمه کتاب شیمی آلی آزمایشگاهی می‌نویسد: تجربیات آزمایشگاهی می‌تواند انگیزه‌ای بر کنجکاوی هوشمندانه بوجود آورد و به توانایی‌های مشاهدات وسعت عمل دهد، بعلاوه تعلیمی برای سازندگی دقیق و ماهرانه شخص باشد. مهم در اینجا تشخیص این نکته است که هرگاه کاری در شکل غیر عملی صورت گیرد، هیچ یک از مقاصد فوق اولاً میسر ثانیاً حاصل نمی‌گردد، بدین معنا که شما دستورکاری را انجام داده و به

دستورکار بعدی می‌رسید، بدون اینکه قبلاً در جهت کسب معلومات عمومی مربوط به کل مراحل عملیات آزمایشگاهی و اصول زیر بنائی آن آمادگی لازم را پیدا کرده باشید.

در واقع، باید گفت راز موفقیت غربی‌ها در آموزش علوم تجربی استفاده از این نحو آموزش است که **خود دانش‌آموزان قواین را کشف نمایند.**

در نظام آموزش درست، کلاس درس و آزمایشگاه برخی دروس مثل علوم اجتماعی، خود مدرسه است و زمینه‌های لازم برای یاد دادن چنین مطالبی بصورت عملی فراهم است بطوریکه هیچ نیاز نیست که دانش‌آموز را وادار به حفظ مطالبی در این مورد بنماییم. یعنی در مدرسه فضایی بوجود می‌آید که دانش‌آموزان بتوانند تمام دانشی که برای زندگی در اجتماع لازم دارند را بطور عملی آموزش ببینند و اگر مطالعه و تحقیق اضافی نیاز باشد، با معرفی کتاب مشکل آنها حل می‌شود. در این صورت، برای ارزیابی دانش‌آموز در این درس، طرز عملش در اجتماع سنجیده می‌شود. در آموزش درست، معلم امکانات و راهنمایی‌های لازم را در اختیار دانش‌آموزان می‌گذارد تا آنها بتوانند تجربیات هدایت شده مفیدی را بدست آورند.

در نهایت باید گفت: نظام آموزشی درست تمام زمینه‌های لازم را برای اینکه معلمان بتوانند، مسئولیت‌هایشان را به صورت درست انجام دهند، فراهم می‌نمایند.